

WHY POLITICAL FASTING TO PROTEST?

<http://www.ghandchi.com/284-roozeh-plus.htm>

چرا روزه سياسي براي اعتراض؟

مخالفت با جمهوري اسلامي در ايران ادامه دارد و رژيم اسلام گرا با انزجار مردم دست بگريبان است. در چنين و انفساي رژيم، ملي-مذهبيوني كه خود از عاملين اين وضع هستند، مردم را به بيراهه مذهبي سازي مخالفت خود دعوت ميكنند. اعتصاب ها را به روزه سياسي مبدل ميكنند، تا به جهانيان اينگونه وانمود كنند كه گوني مردم ايران اسلام گرائي سياسي را ميخواهند، و فقط جمهوري اسلامي كنوني را نميخواهند. اين ها ميخواهند براي ما شريعتي را احياء كنند. اگر مردم چيري از اسلام در سياست بخواهند، هر روز روزه گرفتن نيست، بلكه روزه شكني در ماه رمضان است.

ملي مذهبيون ميخواهند ايران براه چين برود كه كمونيستم اصلاح گرا، با ايجاد روابط تجاري با غرب از يكسو، و سركوب مخالفين رژيم ايدئولوژيك از سوي ديگر، رژيم را نجات داد، و سيستم كمونيستي و نقض حقوق بشر را دست نخورده نگه داشت. اينها ميخواهند همكاران جديد غرب شوند، و زندان ها را اختصاص به اپوزيسيون سكولار دهند، و گرنه چرا تمام اين سالها از عدم اجازه حتي نزديكترين نيروهاي غير مذهبي همكار خود، براي شركت در انتخابات، دم نزدند، نيرو هاي چپي كه بخاطر اينان، هر مخالف را مجاهد و سلطنت طلب ميخواندند!

مردم ايران چيزي كمتر از يك رژيم كاملاً سكولار را نميخواهند، بويژه بعد از همه فداكاري ها و تلفات 24 سال گذشته. بهانه هائي نظير استفاده از حربه اسلام بر ضد اسلام، براي گمراه كردن است. اينان به اهميت افكار عمومي بين المللي در تغيير رژيم پي برده اند، و سعي وافر دارند كه به جهانيان اينطور بر داشت دهند كه گوني مردم ايران عميقاً اسلام گرا هستند، حتي وقتي با حكام كنوني رژيم جمهوري اسلامي ميرزمند، و اينان نيروئي هستند كه بايستي طرف هر توافقي باشند، و گوني مردم خواهان جايگزيني به اصطلاح اقتدار گرايان با اصلاح طلبان هستند، توهمي كه بخشي از جنبش چپ هم بدان دامن ميزند.

اگر زماني زنان مبارز ما را گمراه كردند و به نام وحدت خلق، گذاشتن روسري را تجويز كردند، امروز بنام استفاده از حربه اسلام، گمراهي ديگري بنام روزه سياسي را تجويز ميكنند و **اقاجري** را كانديد نوبل ميكنند. **روسري اجباري** ديوار برلني است كه بايستي فرو ريزيم، و روزه سياسي به همان موزه تعلق دارد كه آن روسري اجباري. ملتي و جنبش مترقي اش گول شيايدان ملي-مذهبي و همكاران چپي شان را در 1979 خوردند، و هنوز بعد از 24 سال، داريم زچر آن اشتباه را ميكشيم.

حتي طرفداران چپي اصلاح طلبان در خارج، نوكران بي مزد و مواجبي هستند كه جرأت بازگشت به ايران را ندارند، و مانند بقيه، مادر و پدرشان در اين سال ها در ايران مردند، و از حق انساني ديدن آنان بخاطر خطر جان محروم شدند، و هنوز به اشتباه خود اذعان نميكنند و از مردم پوزش نميخواهند، و فراموش ميكنند كه در اين سال ها، براي ساكت كردن مخالفين خود، آنها را مجاهد يا شاهي خواندند.

تاكي اينان ميخواهند براي مردم روزه سياسي تجويز كنند. آخر كجاي دنيا مردمش در قرن بيست و يكم به اينگونه توسط عده اي كه خود را روشنفكر مينامند به مذهبي سازي مخالفت خود تشويق ميشوند. آيا چهله گرفتن به عنوان شيوه اعتراض انقلاب در 1979 كم بود كه حالا روزه سياسي تجويز ميكنند، و يا لوئر قرن شانزدهم را در قرن 21 براي ما نوآوري ميخوانند. به اندازه كافي ملي مذهبيون مردم ما را به گمراهي رهبري کرده اند. اگر ميخواهند فكر تازه اي بكنند

بهترین آن است که کتاب های **شریعتی** را به موزه منتقل کنند، و زیرش بنویسند که نسلی را به گمراهی کشاند، و واپسگرایی را بجای ترقی خواهی به آنان رهنمود داد و ملتی را 24 سال به عقب کشاند.

هنوز برخی گروه های سیاسی ما مینویسند **جون جمهوری اسلامی ضد انقلابی است با آن مخالفند و نه جون ارتجائی است**. کی جنبش سیاسی ما خواهد دید که چه انقلابی و چه رفرمیست ، اگر نیروئی ضد ترقی و واپسگر است ، از آن نبایستی دفاع کرد، حال چه انقلابی باشد و چه رفرمیست، چرا که در هر دو حالت، نتیجه واپسگرایی تازه ای خواهد بود. همانگونه که قبلاً در مقاله زیر نوشتم و بسیاری را خوش نیامد و سانسورش کردند و بجای پوزش ...:

<http://www.ghandchi.com/249-ReactionaryReformism-plus.htm>

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

11 آبان 1382

Nov 2, 2003

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>